

امکان تعویق صدور حکم محکومیت در خصوص متهمان جرایم مواد مخدر و روان گردان

حسین عبادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۲۸

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی امکان تعویق صدور حکم محکومیت متهمان جرائم مواد مخدر و روان گردان با توجه به ضوابط و مقررات وضع و پیش‌بینی شده، موضوع مواد ۴۰ تا ۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ انجام شد. رسیدگی به جرائم مواد مخدر و روان گردان‌ها و همچنین تعیین مجازات برای مرتکبان این جرائم، براساس ضوابط و مقررات خاصی که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، تعیین شده، صورت می‌پذیرد. بنابراین شرایط، جزئیات و موارد قانونی تسری و یا عدم تسری نهاد یادشده، احصاء شد و مشخص شد که آثار و نتایج مثبت ناشی از این فرآیندها از طرفی در کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری و از طرف دیگر در بازاجتماعی و بازپذیری شدن جمع زیادی از افراد با جرائم کم‌اهمیت، تأثیرگذار است. همچنین در این تحقیق، به محاسن پیش‌بینی تفویض اختیار اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به مجلس شورای اسلامی، که در نوع خود هم‌چون نهاد یادشده، یک نوآوری محسوب می‌شود، در توسعه و تأسیس نهادهای تعدیلی در مورد جرائم مواد مخدر و روان گردان‌ها با توجه به تراکم بیش از حد زندان‌ها که بالغ بر ۴۶ درصد زندانیان را محکومان این جرائم، تشکیل می‌دهد، اشاره شد و در نهایت اثبات شد که اعمال مقررات نهاد تعویق و تعلیق به جرائم مواد مخدر و روان گردان‌ها، به استثنای مجرمان مشمول موضوع بند ت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی، امکان‌پذیر است.

واژگان کلیدی: تعویق، مواد مخدر، ماده روان گردان

مقدمه

نظام قانون گذاری کشور با تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، معدودی از جرائم تعزیری و بازدارنده را از طریق وضع ماده ۴۰ که در خصوص احصاء جرائم مشمول تعویق صدور حکم محکومیت متهم و مدت زمان تعویق صدور حکم است، توانسته، گامی نوین و رو به جلو در کاهش مشکلات مبتلابه از جمله تقلیل جمعیت کیفری، تنزل هزینه ها و همچنین بازسازی و بازاجتماعی شدن محکومان بردارد. مقررات مربوط به مواد مخدر و روان گردان ها، اعم از جرائم و مجازات ها و...، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و رسیدگی به جرائم یادشده نیز به ظاهر باید از طریق محاکم اختصاصی (دادسراها و دادگاه های انقلاب اسلامی) براساس این مصوبات صورت پذیرد. حال این سؤال به ذهن می آید که با توجه به آثار مثبت و محاسن این تأسیس جدید در قانون مجازات اسلامی، آیا اعمال و تسری آنها (تعویق صدور حکم) به جرائم و مجازات های پیش بینی شده و مقرر در قانون مبارزه با مواد مخدر، با وجود وجوه افتراق بین دو قانون مجازات اسلامی و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت از لحاظ منشأ ساختاری و نهاد قانون گذاری، امکان پذیر است؟ پاسخ به این سؤال مهم، موضوع اصلی این پژوهش است که خلاصه آن از نظر خواهد گذشت.

در بیان مسئله اساسی تحقیق باید گفت، جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون فنون و سیاست های تقنینی و اجرایی مختلفی را در مبارزه با مواد مخدر و روان گردان ها، به کار گرفته و اجرا کرده است. در مقطعی پرداختن به اقدامات سرکوب گرانه صرف با معتاد و قاچاقچی و در مقطع دیگر توجه محض به امر پیشگیری و درمان و سپس تساهل در این رویکرد. پس از چندی دوباره روی آوری به اجرای عملیات سرکوب گرانه با باندها و وارد کنندگان و توزیع کنندگان مواد مخدر و تولید کنندگان عمده مواد روان گردان، از جمله این سیاست ها در ارتباط با این معضل اجتماعی بوده است. یکی از پیامدهای بارز این رویکردهای ناهماهنگ و غیرمتوازن، افزایش چندین برابری جمعیت کیفری نسبت به ظرفیت واقعی زندان های کشور بوده است. مسلماً با این

شرایط بسیار نامناسب محیطی، ناشی از کمبود فضاهای آموزشی و تربیتی و عدم امکان طبقه‌بندی علمی محکومان، نه تنها به هیچ عنوان نمی‌توان به اصلاح آنها امیدوار بود، بلکه چه بسا مجرمان با جرائم کم اهمیت فعلی با قرار گرفتن و اقامت در کنار مجرمان با سابقه، به مجرمان حرفه‌ای فردا تبدیل شوند، بنابراین برای کاهش و یا دست‌کم تعدیل اثرات نامطلوب این وضعیت و همچنین ممانعت از دریافت انگ مجرمیت و بدنامی محکومان با جرائم بسیار کم اهمیت، آیا تأسیس نهادهای تعویقی در مرحله صدور حکم و تعلیق در اجرای مجازات‌های جزایی در کاهش این نارسایی‌ها مؤثر است؟

به‌طور کلی واکنش جامعه در مقابل کنش‌های اجتماعی، بر مبنای خطر حاصله تنظیم می‌شود. بدیهی است در صورت شدیدتر بودن خطر حاصله، واکنش نیز شدیدتر خواهد بود. نظریه «تناسب شایسته»، اصلی‌ترین و شاید قدیمی‌ترین نظریه‌ای است که از دیرباز منطق زیربنایی استدلال‌های طرف‌داران مجازات‌ها را تشکیل می‌دهد. البته درجه‌بندی مجازات‌ها، حسب اینکه مطالعات جرم‌شناسی در هر کشور از چه درجه و اعتباری برخوردار باشد و نیز بر حسب مقررات و قواعد اجتماعی حاکم بر آن جوامع متفاوت است، ولی آنچه مسلم بوده این است که هدف اصلی تناسب، طبقه‌بندی صحیح جرائم بر حسب شدت و ضعف و بر حسب زدن متناسب به آنهاست. این نظریه توسط بکاریا بسط یافت (قناد، ۱۳۷۹). نگاهی گذرا به مجازات‌های جرائم مواد مخدر و مقایسه آنها با مجازات‌های سایر جرائم نشان می‌دهد که مقنن در مورد جرائم مواد مخدر بیش از حد شدت عمل به خرج داده است (امام‌زاده، ۱۳۸۴). البته شدت عمل در مورد معدود مجرمان خطرناک و به‌عادت‌ی که خود، به قول جرم‌شناسان، عامل و مسبب وقوع ۵۵ درصد از کل جرائم هستند و قطعاً مجرمان متجری مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، از این قاعده مستثنی نیستند و هم‌چنان باید منتظر مجازات و شدت عمل مناسبی باشند؛ اما برای جرائم ارتكابی با درجه اهمیت پایین‌تر باید راهبردهای تقنینی تعدیلی و تخفیفی را مدنظر قرار داد. ضمن اینکه از میان برداشتن وضعیت‌های پیش‌جنایی، که به همان آماج جرم نیز معروف هستند، یکی از اثربخش‌ترین راهبردها برای جلوگیری از گرایش به بزهکاری و توسل به اعمال

مجرمانه است. با این توضیحات، نهاد تازه تأسیس تعویق صدور محکومیت کیفری که در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب شده، در صورت تسری و تعمیم آن به جرائم معنونه (مواد مخدر و روان گردان‌ها) می‌تواند در کاهش جمعیت کیفری کشور به خصوص افت جامعه آماري مجرمان و محکومان مواد مخدر و روان گردان‌ها و همچنین جلوگیری از گرایش مجدد به افعال بزهکارانه مرتبط با این نوع جرائم، ضروری و کارساز شود.

بررسی امکان اعمال نهاد تعویق صدور محکومیت به متهمان جرائم مواد مخدر و روان گردان

برخی از جرم‌شناسان معتقدند، که تخم مرغ دزد امروز، شتر دزد فردا است. یعنی بزهکاران از انحراف شروع کرده و به تدریج تبدیل به بزهکار خطرناک می‌شوند. مطالعات امروزی جرم‌شناسی این ترتیب در بزهکاری را رد کرده است. پس نمی‌شود گفت فرد بزهکار خطرناک امروزی ابتدا فردی غیراجتماعی بوده، سپس تبدیل به فردی منحرف (ضد اجتماعی خفیف) و در نهایت تبدیل به مجرم (ضد اجتماعی فعال) شده است. آری در خصوص بزهکاران به‌عادت معمولاً این ترتیب وجود دارد اما بزهکاران به‌عادت یا مزمن فقط ۵ تا ۶ درصد مجرمان را تشکیل می‌دهند (اگرچه همین تعداد کم، حدود ۵۵ درصد جرائم را مرتکب می‌شوند). مجرمان غیر مزمن بیشترین تعداد بزهکاران را تشکیل می‌دهند، اما مرتکب کمترین تعداد جرائم هستند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴). در عصر کنونی تغییراتی در نگرش‌ها به‌وجود آمده است و از طرق اقناع‌آور، سعی در کنترل جرم می‌کنند، بنابراین رسالت‌ها و هدف‌های مجازات امروزه پیچیده‌تر است، ولی با تمام پیچیدگی‌ها، صاحب‌نظران هدف‌هایی را برای مجازات‌ها احصاء می‌کنند و شاید بتوان هدف‌های پیچیده و گاه آشتی‌ناپذیر کیفرها را حول سه محور خلاصه کرد: ترساندن، سزادادن و بازسازگار کردن. این اهداف سه‌گانه همواره در اجرای مجازات‌ها وجود داشته و دارد ولی تأکید بر یکی بیش از دیگری برحسب زمان و مکان یکسان نبوده است (آشوری، ۱۳۸۵). در حال رویکرد نظام عدالت کیفری به مجرم، جنبه تربیتی و اصلاحی است و برخلاف گذشته، دیگر مجرم صرفاً یک عنصر فاسد و ضد اجتماعی قلمداد نمی‌شود. هرچند به اعتقاد بعضی از اندیشمندان حوزه جرم‌شناسی این دیدگاه در

دوره رشد «مکتب دفاع اجتماعی» که مربوط به قرن اخیر بوده، نشر یافته است و از نظر مروجان آن، این است که، دیگر انسان مجرم، دشمن تلقی نمی‌شود، بلکه شخصی است، که به‌طور موقت از راه راست خارج شده و قابل اصلاح، بازپروری و بازگشت به جامعه است. از منظر این مکتب، دفاع از جامعه با اصلاح و نجات مجرم محقق می‌شود نه با طرد و کنار گذاشتن او. اما در تحولات اخیر یعنی پیدایش اشکال جدید بزهکاری به‌ویژه انواع تروریسم و سازمان‌یافته‌شدن و فراملی‌شدن بزهکاری، حقوق کیفری با نسل جدیدی از جرائم و مجرمان سروکار پیدا کرده است که سازوکارهای حقوق کیفری سنتی نسبت به آن کارایی کافی ندارد (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۵). به‌رحال، با گسترش و نفوذ این طرز تلقی و با شناخت بهتر بزهکار و بزهکاری براساس مبانی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، فلسفه مجازات نیز تغییر یافته و زمینه اجرای عدالت قضایی و مجازات‌های تعدیلی و ترمیمی و جایگزین (مجازات‌های سالب آزادی)، نسبت به گذشته، هموارتر شده است. پیدایش نهاد تعلیق در بدو امر مرهون نشر افکار و اندیشه اندیشمندان مکتب تحقیقی حقوق جزا و مساعی جرم‌شناسان در پایان قرن نوزدهم است. از این‌رو تعلیق مجازات را می‌توان یکی از جلوه‌های عقاید طرفداران مکتب تحقیقی برای جلوگیری از تکرار جرم و اصلاح و تربیت مجرم به حساب آورد (علی‌آبادی، ۱۳۵۲). با این توصیف اساس فلسفه قاعده تعویق صدور حکم و اجرای مجازات، مبتنی بر نظریه برچسب‌زنی است که در واقع برچسب مجرمیت به افراد متهم الصاق نشود (اردبیلی، ۱۳۹۱). نظریه برچسب‌زنی یکی از مشهورترین نظریات مطرح در حوزه جرم‌شناسی است؛ نقش صاحبان قدرت در تعریف جرم و تعیین مجرم، آثار برچسب‌زنی و راهکارهای پیشگیری از برچسب‌خوردن افراد محورهای این نظریه را تشکیل می‌دهند.

در نظریه برچسب‌زنی، انحراف از قانون ذاتی نیست و به‌جای آن، بر تمایل بیشتر به چسباندن برچسب منفی به اقلیت، یا کسانی که آن‌ها را منحرف از هنجارهای معمول تلقی می‌کند، متمرکز می‌شود. رهیافت برچسب‌زنی که مقدمه رهیافت‌های سیاسی تضاد را فراهم ساخت با طرح وجود ارزش‌های متعدد و چندبعدی بودن جوامع، بیان می‌دارد که هر

جامعه‌شناسی رفتارهای نابهنجار به غلبه برخی ارزش‌ها بستگی دارد و این امکان وجود دارد که در این میان هر رفتار متضادی به‌عنوان ضد ارزش برجسب خورده و به این نحو از جامعه طرد شود و با هویت جدید ناشی از انگ که از جانب غالب جامعه دریافت کرده اجازه بازگشت به زندگی سالم اجتماعی و معاشرت را از دست دهد. بزهکاری پایدار در این رهیافت حاصل فرایند بدنام کردن، هویت‌سازی، نقش‌پذیری و متعهدشدن به نقش جدید است (عظیم‌زاده، ۱۳۹۰).

تاریخچه و فلسفه طرح نهاد تعویق صدور حکم و حوزه شمول آن

نهاد تعویق صدور حکم محکومیت، پس از حدود یک قرن قانون‌گذاری جزایی در ایران، برای اولین بار است که با در نظر گرفتن ماده ۶-۱۳۲ قانون جزای فرانسه مورد توجه تهیه‌کنندگان قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ قرار گرفته و پیش از این، چنین نهادی در نظام کیفری ایران، سابقه نداشته است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷). همان‌طوری که اشاره شد، اساس فلسفه قاعده تعویق صدور حکم محکومیت مبتنی بر نظریه برجسب‌زنی است که در واقع برجسب مجرمیت به افراد متهم به جرائم الصاق نشود.

تعویق در لغت به معنی بازداشتن، کار را عقب انداختن، تأخیر و درنگ کردن در کاری است. به عبارتی به معنی تعلیق در رسیدگی به پرونده است که قاضی در شرایط خاصی رسیدگی به پرونده متهم را لغو کرده تا رسیدگی بهتری نسبت به مسئله صورت گیرد که این عمل یک اقدام پیشگیرانه است.

صدور قرار تعویق مجازات در مفهوم اصطلاحی و شکلی آن این است که قاضی می‌تواند در صورت شرایط شکلی و احراز مراتب چهارگانه ماده ۴۱ و تبصره آن با قرار صدور تعویق موافقت و معوق کند و به صورت حضوری قرار تعویق صدور حکم صادر می‌شود. تعویق صدور حکم اصطلاحی حقوقی است که قانون‌گذاران، معمولاً از آن استفاده می‌کنند. یعنی تحت اوضاع و احوالی خاص ممکن است مصلحت اقتضاء کند که با وجود عناصر مجرمانه، صدور حکم به تعویق افتد. تعویق صدور حکم به آن معناست که دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت با توجه به شرایط مجرم، صدور حکم را از مدت ۶ ماه تا

۲ سال به تعویق اندازد که این امر نیز در خصوص اصل فردی کردن مجازات‌هاست. این روش درباره مجرمانی اعمال می‌شود که گزینش آنها طبق ضوابط خاصی صورت می‌پذیرد. این افراد، سپس در نظامی قرار می‌گیرند که هدفش فراهم کردن فرصت اصلاح و رهیافتی برای زندگی او در جامعه و یافتن جایگاهی برای او در محیط اجتماعی است، بی‌آنکه خطر تجاوز دوباره به هنجارهای جزایی قابل پیش‌بینی باشد (آشوری، ۱۳۸۵).

مبانی تعویق صدور حکم

تعویق صدور حکم در اصل در حقوق فرانسه نهادینه شده و ریشه در نظریه امیل دورکیم دارد که بر مبانی زیر استوار است:

- با تعویق صدور حکم بزهکار به دامن جامعه بازگشته و اصلاح و بازاجتماعی می‌شود؛

- هدف مجازات، پیشگیری از جرم، اصلاح بزهکار و تصدیق صدمه وارده به مجنی علیه است؛

- مسئولیت‌پذیری، بدون تحمیل مشقت مجازات، مسیر بازگشت مجرم به مسیر و شرایط عادی زندگی را هموار خواهد کرد؛

- فرصت به بزهکار در سازگار کردن خود با قواعد اجتماعی در مدت تعویق اعطا می‌شود؛

- تعویق صدور حکم، جوانان را در دسترسی به امکانات یا فرصت‌های زندگی آماده خواهد کرد؛

- با تعویق صدور حکم امکان وقوع اشتباهات قضایی تنزل خواهد یافت.

صدور حکم تعویق، مانع از ورود افراد با جرائم کم‌اهمیت به زندان خواهد شد. بدین ترتیب از آمار زندانیان که گاهی خود از موجبات ورود به باندهای مجرمانه خطرناک است، کاسته می‌شود.

شرایط ماهوی (احراز جهات و پیش‌شرط‌های لازم)

نظام عدالت کیفری همواره در مقام اعمال مجازات‌ها با دو گروه از مجرمان مواجه است

که هر یک مجازات متناسبی را می‌طلبد. گروه اول مجرمانی هستند که برحسب اتفاق در مقام ارتکاب جرم قرار می‌گیرند. یعنی این دسته از مجرمان زندگی منظمی داشته و غرایز آنها عادی و قدرت مقاومت و استدلال‌شان معمولی است؛ اما یک سقوط اتفاقی و تمایل نفسانی شدید آنها را به سوی ارتکاب جرم سوق داده است و به محض آن که این حادثه مرتفع شود آنها باز هم راه راست خود را گرفته و تردید و انحرافی ندارند. همچنین دین مقدس اسلام، زندان را نهادی ضروری برای به‌انزو اکشانیدن مجرمان ندانسته و از مراجعه به آیات قرآنی به‌روشنی مشخص می‌شود که در کنار مجازات‌هایی با عنوان‌های قصاص، حدود و دیات از زندان^۱ نیز سخن رفته است. با وجود این، زندان نهادی ضروری و وسیله‌ای برای برخورد با مجرمان و به‌انزو اکشانیدن آنان شناخته نشده است (آشوری، ۱۳۸۵). در این موارد مجازاتی که آنها را با جامعه همگام سازد و موجب تنبیه و اصلاح شود کافی به‌نظر می‌رسد. اما در مقابل این گروه، جانی‌های حرفه‌ای غیرقابل اصلاح قرار دارند که دارای تشکیلات منحرف‌کننده‌ای بوده و تعلیماتی برای تجاوز به اموال و افراد می‌دهند. این دسته دارای غرایزی خشک و خشن و فاقد احساسات طبیعی و اخلاقی و عاری از تربیت صحیح هستند. اگر آنها را آزاد بگذارند و از وسایل غرق شدن در منجلا ب جنایت دورشان نسازند، همیشه در معرض تکرار جرم هستند. این دسته دشمنان سعادت و نظم جامعه هستند. انگل‌هایی که پیوسته گروه‌های خطرناکی را به‌وجود می‌آورند. هیچ مجازاتی آنها را از راه عادت منحرف، و با طبع جامعه همگام نمی‌سازد. بدیهی است عدالت قضایی در برخورد با دو گروه یادشده مجازات یکسانی را اِعمال نخواهد کرد. به‌همین جهت در قانون مجازات اسلامی راجع به گروه اول تدابیری را به‌عنوان تعلیق مجازات، تخفیف یا تبدیل مجازات و پس از محکومیت نیز آزادی مشروط با شرایط و مقرراتی پیش‌بینی کرده است که به هر یک اشاره خواهد شد.

بررسی مستند قانونی نهاد تعویق مجازات و شرایط مشمولان آن

ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: در جرائم موجب تعزیر درجه

۱. کلمه سجن به‌معنی زندان شش‌بار در سوره مبارکه یوسف به‌کار رفته است.

شش تا هشت دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

- وجود جهات تخفیف؛

- پیش بینی اصلاح مرتکب؛

- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران؛

- نداشتن سابقه کیفری مؤثر؛

تبصره- محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، براساس ماده (۲۶) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می کند.

محکومیت های مؤثر و موانع قانونی

ماده ۲۵ محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می کند:

الف. هفت سال در محکومیت به مجازات های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی؛

ب. سه سال در محکومیت به قطع عضو و قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار؛

پ. دو سال در محکومیت به شلاق حدی و قصاص حدی و قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج.

تبصره ۱- در غیر موارد یادشده، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می شود. لکن در گواهی های صادره از مراجع ذیربط منعکس نمی شود مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات.

تبصره ۲- در مورد جرائم قابل گذشت، در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات متوقف شود اثر تبعی آن نیز رفع می شود.

تبصره ۳- در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های یادشده از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌شود.

مجازات تعزیری

بر طبق ماده ۱۸ قانون، تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌شود. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم؛
- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن؛
- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم؛

- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.

چنانچه عنوان شد، تعویق صدور حکم، نهادی اختیاری در دست قاضی است که دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است، در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت ۶ ماه تا ۲ سال به تعویق اندازد.

الف. جهات مخففه جهت تعویق صدور: یکی از شرایط تعویق صدور حکم وجود جهات تخفیف است. دادگاه در صورتی می‌تواند اقدام به صدور قرار تعویق کند که احراز کند، مجرم یک یا چند جهت از جهات تخفیف را دارا است. جهات هشت‌گانه به صورت حصری هستند اگر یک شرط باشد کفایت می‌کند. این جهات در ماده ۳۸ ق.م.ا بیان شده و به قرار زیر است:

۱. گذشت شاکی و مدعی خصوصی؛
۲. همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و

- اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن؛
۳. اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز
بزه دیده یا وجود انگیزه شرافت مندانه در ارتکاب جرم؛
۴. اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی؛
۵. ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری؛
۶. کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن؛
۷. خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیان بار جرم؛
۸. مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم.

تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.

تبصره ۲- هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد، دادگاه نمی تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.

ب- پیش بینی اصلاح مرتکب: هدفی که در همه مجازات ها مدنظر است اصلاح مرتکب و متنبه کردن او نسبت به جرم ارتکابی می باشد. به عبارتی چه بسا مجازات موجب خطرناک تر شدن مجرم شود. قاضی دادگاه باید با توجه به میزان، شدت، انگیزه مرتکب و اقدامات و اظهارات او در جهت کاهش آثار جرم و دلجویی و جبران خسارت زیان دیده به این نتیجه برسد که صدور تعویق برای او جنبه اصلاحی بیشتری نسبت به صدور زندان دارد.

پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران- فقدان سابقه کیفری مؤثر (ماده ۴۰): در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است، در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد

- وجود جهات تخفیف، پیش بینی اصلاح مرتکب؛

- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران؛

- فقدان سابقه کیفری مؤثر.

منظور از سابقه کیفری مؤثر این است که حکم باید در یکی از دادگاه‌های بدوی یا تجدیدنظر صادر و مدت اعتراض آن به پایان رسیده باشد. این محکومیت باید در نتیجه ارتکاب جرائم عمدی صادر شده باشد و محکومیت قطعی به جرائم غیرعمدی را شامل نمی‌شود. بنابراین تبصره ماده ۴۰ ق.م.ا محکومیت مؤثر را بیان کرده است.

شروط لازم برای بهره‌گیری از نهاد حقوق تعویق (اهمیت جرائم) (استثناء ماده ۴۶ ق.ج) و درجه مجازات (۶ تا ۸ ماده ۱۹):

- احراز مجرمیت فرد؛ وجود پرونده شخصیت اگرچه تکلیف نشده است، اما احراز شرایط ماده ۳۹ (لحاظ مدت تعویق)؛

- نداشتن سابقه مؤثر کیفری، جهات تخفیف، جبران ضرر و زیان یا برقراری تربیت جبران، پیش‌بینی اصلاح مرتکب؛

- توجه به سن بزهکار (جوان یا بزرگسال)، تفهیم موضوع (دستورات و تدابیر) و ضمانت اجرای عدم انجام آن؛

- توجه به گزارش مددکار از وضعیت خانوادگی در احراز شرایط، توجه به مددکار و شخصیت و موقعیت و سوابق وی، اعم از تحصیلی، تخصصی و تعهد، توجه به حصری بودن دستور و متناسب آن با بزهکار؛

- توجه بیشتر به تعهدات مثبت به جای تعهدات منفی، آموزش قضات کیفری و قاضی اجرای احکام، ارتقای سطح دانش حقوقی آنان برای اجرای اهداف قانون‌گذار در این زمینه؛

- سازماندهی کردن پرونده شخصیت با استعلام از مراجع انتظامی و اخذ نظر روان‌شناسان و مددکار؛

- ایجاد یک مؤسسه یا یک نهاد مراقبتی (دولتی) و استفاده از مددکاران بهزیستی؛

- برگزاری همایش و تشکیل کارگروه‌های علمی قضات کیفری و اجرای احکام با حضور اساتید دانشگاه و علمای حقوق.

اشکال صدور تعویق صدور حکم

تعویق صدور حکم، طبق ماده ۴۱ قانون، به دو صورت انجام می‌پذیرد که هر یک مقتضی حکم خاصی است:

۱- **تعویق ساده:** در تعویق ساده مرتکب به‌طور کتبی متعهد می‌شود که در مدت تعیین شده مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نخواهد شد. در این نوع تعویق قانون‌گذار، تدابیری برای دوران تعویق در نظر نگرفته است و به‌طور کلی مجرم اذعان می‌دارد که در مدت تعیین شده مرتکب جرمی نشود، سپس دادگاه مدت تعویق را معین می‌کند و در طول مدت معین شده، دادگاه باید بر رفتار متهم نظارت داشته باشد که البته منظور از این نظارت، این است که دادگاه به‌نحوی اطمینان داشته باشد که متهم متنبه شده و در دوران تعویق، مرتکب جرم دیگری نشده است.

۲- **تعویق مراقبتی:** برابر ماده ۴۳ در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به‌نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم کند:

- حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌های خاص؛
- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین؛
- درمان بیماری یا ترک اعتیاد از طریق اعمال مقررات مواد ۱۵ و ۱۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۱۳۸۹؛
- پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه؛
- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری؛
- خودداری از فعالیت حرفه‌های مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن.
- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده، به تشخیص دادگاه؛
- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزشی و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

در تعویق مراقبتی، علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می‌شود، دستورات و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا کند. طبق تبصره ۱ و ۲ ماده ۴۱ ق.م.ا، دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند و در هر دو صورت، حضور مرتکب جرم در دادگاه الزامی است.

بر طبق تبصره ۱، چنانچه متهم در بازداشت باشد، دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، بلافاصله دستور آزادی وی را صادر می‌کند. دادگاه می‌تواند در این مورد تامین مناسب اخذ کند. در هر صورت اخذ تامین نباید به بازداشت مرتکب منتهی شود.

دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند. یعنی برای صدور این قرار حضور متهم و در نظر گرفتن شخصیت و ظاهر وی با توجه به اوضاع و احوال مورد نظر قانون‌گذار ضروری است. قاضی دادگاه با توجه به همه این موارد است که می‌تواند قرار تعویق صادر کند. اگر متهم با وصف ابلاغ قانونی احضاریه، در دادگاه حاضر نشود، مستحق قرار تعویق نخواهد بود. همچنین چنانچه متهم در بازداشت باشد، دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، بلافاصله دستور آزادی وی را صادر می‌کند. دادگاه می‌تواند در این موارد تامین مناسب اخذ کند.

جرائم غیر قابل تعویق صدور حکم برابر قانون

صدور تعویق در جرائمی مجاز است که به موجب قانون تعیین شده است که مشروح آنها از نظر گذشت اما قانون‌گذار در فصل مربوط به تعلیق مجازات، جرائمی را از این قاعده مستثنی کرده است و دستگاه قضایی را ملزم کرده در این موارد اقدام به تعلیق و تعویق نکند. به موجب ماده ۴۷ ق.م.ا، صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

الف. جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خراب کاری در تأسیسات آب،

برق، گاز، نفت و مخابرات؛

ب. جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه، سرقت مقرون به آزار، آدم‌ربایی و

اسیدپاشی؛

پ. قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا؛

ت. قاچاق عمده مواد مخدر، روان‌گردان، مشروبات الکلی، سلاح و مهمات و قاچاق انسان؛

ث. تعزیرات بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمد و محاربه و افساد فی الارض؛

ج. جرائم اقتصادی با موضوع جرم بیش از صد میلیون ریال؛

چ. جرائم تعزیری درجه ۱ تا درجه ۵ (مفهوم مخالف از ماده ۴۰ ق.م.ا)؛

جرائم مندرج در ماده ۴۷ ق.م.ا و شروع به این جرائم غیرقابل تعویق است.

بالحاظ تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا جرائم مستوجب تعزیرات منصوص شرعی از شمول مقررات ماده ۴۰ ق.م.ا راجع به تعویق صدور حکم خارج هستند.

در این ماده منظور از جرم سازمان‌یافته عبارتست از فعالیت‌های غیرقانونی و هماهنگی گروهی منسجم از اشخاص که با تبانی هم‌دیگر و برای تحصیل منافع مادی و قدرت، به ارتکاب مستمر مجرمانه شدیدی می‌پردازند و برای رسیدن به هدف از هر نوع ابزار مجرمانه استفاده می‌کنند. در مورد جرائم اقتصادی تاکنون در قوانین کیفری و سایر قوانین تعریف مشخص و معینی ارائه نشده است. به‌طور کلی می‌توان گفت جرائم اقتصادی جرمی هستند که علیه اقتصاد کشور انجام می‌شود و در نظام اقتصادی کشور اختلال ایجاد می‌کنند.

تدابیر و دستورات همراه با قرار تعویق صدور حکم

مطابق ماده ۴۲ قانون، تدابیر هم‌زمان با تعویق صدور حکم به شرح زیر است:

۱- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار

اجتماعی ناظر که دادگاه تعیین می‌کند؛

۲- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل‌کننده نظارت بر اجرای تعهدات

محکوم برای مددکار اجتماعی؛

۳- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز

به مددکار اجتماعی تعیین شده؛

۴- کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور؛

تدابیر یادشده می تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد.

ضمانت اجرای تخطی از شرایط و دستورات یادشده از دادگاه

الف- افزایش زمان قرار: علاوه بر اینکه مجرم ملزم است در زمان تعویق، مرتکب جرم نشود باید دستورات دادگاه را نیز رعایت کند. در غیر این صورت به موجب ماده ۴۴ ق.م.ا. قاضی می تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار، به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند. یعنی اگر مجازات مجرم به مدت یک ماه به تأخیر افتاده باشد، دادگاه می تواند، نصف ماه به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند.

ب- الغای قرار تعویق صدور حکم (صدور حکم محکومیت): در صورتی که متهم در مدت تعویق مرتکب جرمی شود، در صورتی که جرم مزبور موجب حد، قصاص، دیه یا موجب تعزیر تا درجه هفت باشد، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام می کند و در این صورت حکم محکومیت صادر می کند. اما در صورت اجرای دستورات دادگاه توسط متهم که صدور حکم وی معوق شده است، قاضی می تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار، به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند. این نکته محل تأمل است که قانون گذار در صدر ماده ۳۹ ق.م.ا. در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت امکان اختیار صدور قرار تعویق را برای دادگاه فراهم ساخته است؛ حال آنکه، ارتکاب جرم تعزیری درجه هفت را از موارد الغای حتمی قرار یادشده دانسته است! به دیگر سخن، دلیل استخراج جرم تعزیری درجه هفت در این دامنه با ابهام روبروست. مضاف بر اینکه، قانون گذار در خصوص جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت احراز جهات تخفیف پس از احراز مجرمیت مرتکب، تحت شرایطی، امکان و مجال معافیت از کیفر را فراهم ساخته است (ماده ۳۹ ق.م.ا.) که موضوع، مؤید اهمیت کم این قسم جرائم است.

آثار کلی نهاد تعویق صدور حکم

در هر شکل، نهاد تعویق صدور حکم از نهادهای مترقی و مورد تأیید در اغلب نظام های حقوقی

است که به‌عنوان یک ابزار کاربردی سیاست جنایی جایگاه خود را به‌خوبی یافته و این نهاد، ضمن ابنا بر پایه اصل تفرید جزایی (اصل فردی کردن جرائم و مجازات‌ها)، از برجسب‌خوردن (انگ مجرمانه) بر پیشانی شخص به اعتبار جرائم کم‌اهمیت، جلوگیری می‌کند.

تعویق صدور حکم در ارتباط با جرائم مواد مخدر و روان‌گردان

تعویق در تمامی مجازات‌های احصاء شده در ارتباط با جرائم مواد مخدر و روان‌گردان (به‌جز قاچاقیان عمده) که امکان اعمال تعلیق وجود دارد، قابلیت تسری را دارد. مضاف بر اینکه با استناد به نظریه شماره ۷/۷۱ مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۸ اداره حقوقی قوه قضائیه که اشعار می‌دارد: «هرچند اعمال مقررات کلی و عمومی قانون مجازات اسلامی در مواردی که به‌صراحت در قانون مبارزه با مواد مخدر منع نشده، بدون اشکال است»، می‌توان نتیجه گرفت که قاعده یا نهاد تعویق صدور حکم (مستنبط از همین نظریه) با وجود عدم اشاره صریح به آن، در قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان، قابل اعمال و دارای کاربرد حقوقی است.

نتیجه‌گیری

سازوکارهای مقابله با هر معضل و پدیده‌ای که نظام اجتماعی را مختل می‌سازد، مستلزم شناخت کافی و دست‌یابی به علل و عوامل اصلی پیدایش آن است. طبیعی است اتخاذ تدابیر و رهیافت‌های هوشمندانه در این جهت، اهداف تعیین شده را که همانا برقراری نظم اجتماعی است، محقق خواهد ساخت. بر این مبنا، مبارزه با بلای شوم مواد مخدر و مواد روان‌گردان که آسیب‌های ناشی از شیوع مواد روان‌گردان، به‌مراتب مخرب‌تر از مواد مخدر سستی است و هم‌اکنون جامعه را در معرض تهدید جدی قرار داده و نظام عدالت کیفری را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته، نیازمند اندیشیدن تمهیداتی فراگیر و اقدامات همه‌جانبه است. در حال حاضر قریب ۴۷ درصد جمعیت کیفری یا زندانیان کشور را محکومان مربوط به جرائم مواد مخدر و روان‌گردان، تشکیل می‌دهند. با توجه به تراکم بیش از ظرفیت زندانیان در زندان‌ها و کمبود فضاهای بهداشتی، فرهنگی و اصلاحی و...، امکان تامین رسالت و اهداف نظام عدالت کیفری در اصلاح و بازاجتماعی شدن محکومان

وجود ندارد. از این رو تعمیق توجه به راه کارهای نوین و توسل به رهیافت‌های مؤثر به منظور تنزل جمعیت کیفری و کاهش هزینه‌ها از یک سو و از سوی دیگر برای جلوگیری از الصاق برچسب و انگ مجرمیت به محکومانی که احتمال بازگشت و بازپذیری آنان قبل از ورود به فرایند نظام کیفری، چه در مرحله قبل صدور حکم محکومیت (تعویق صدور حکم) و چه در مرحله بعد از صدور حکم مجازات (تعلیق اجرای مجازات)، وجود دارد، می‌تواند بسیار اثربخش و راه گشا باشد.

به‌عنوان یکی از نتایج، اینکه در خلال انجام این تحقیق در هیچ یک از متون و اسناد حقوقی و نظرات مراجع ذیصلاح قضایی و حقوقی، تعریف دقیق و جامعی در مورد عبارت قاچاق عمده مواد مخدر و روان گردان موضوع بندت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ یافت نشد؛ بنابراین هنگام اجرای این قانون، چه از حیث اعمال تعویق و چه از لحاظ اجرای نهاد تعلیق، بروز اختلاف و تشتت آراء در یک موضوع واحد، اجتناب‌ناپذیر خواهد شد، بنابراین، ارائه تعریفی شفاف با تعیین حد نصاب در مقدار با توجه به شدت مخاطرات هریک از انواع مواد مخدر و یا روان گردان، توسط قوه قضائیه به سرعت ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به تراکم بیش از حد تعداد زندانیان نسبت به ظرفیت‌های عملی زندان‌ها و عدم اجرای طبقه‌بندی علمی زندانیان و همچنین نظر به کمبود شدید فضاهای بهداشتی، فرهنگی، اصلاحی و... تنها با این وضعیت، تامین رسالت و اهداف حتی اولیه نظام عدالت کیفری در اصلاح و بازاجتماعی شدن محکومان قابل تحقق نیست، بلکه در بسیاری از موارد محیط‌های سالب آزادی فعلی منجر به حرفه‌ای شدن مجرمان با جرائم کم اهمیت شده و بدین ترتیب این نهادها در عمل بازخورد منفی به دنبال داشته است. بنابراین به منظور کاهش آثار و یا تعدیل این وضعیت، التفات کافی به اعمال تعویق صدور حکم در ارتباط با جرائم مواد مخدر و روان گردان واجد اهمیت شایانی است، زیرا با این فرایند، زمینه بازاجتماعی شدن تعداد قابل توجهی از محکومان و متهمان فراهم شده است؛ مضاف بر آن، فضای مناسب نیز برای اجرای برنامه‌های اصلاحی در مورد محکومانی که مشمول برنامه‌های تعدیلی، تعویقی و تعلیقی نیستند، ایجاد خواهد شد.

تفویض اختیار اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان به مجلس شورای اسلامی، (ماده ۴۵ الحاقی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۸۹) که این رویکرد، مجمع تشخیص مصلحت نظام، خود تحولی مثبت و به‌نوعی یک نوآوری در عرصه قانون‌گذاری محسوب می‌شود، می‌تواند منشأ اثری مثبت با اصلاح قوانین و مصوبات غیرضرور و گسترش نهادهای تعدیلی و تخفیفی به‌خصوص تسری قواعد تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم به بخش اعظمی از جرائم مواد مخدر و روان‌گردان شود. اکنون در قانون مزبور در مبحث تجدید نظر آراء صادره از محاکم، نارسایی‌های مانند عدم امکان تجدیدنظرخواهی از ناحیه محکومان، قطعی بودن احکام صادره در مرحله بدوی، مرجع تجدیدنظر بودن دادستان کل کشور به‌عنوان نماینده جامعه و طرف دعوی و انطباق نداشتن این وضعیت با فلسفه لزوم رعایت حقوق متهمان و اصول رایج در نظام عدالت کیفری و تبعات منفی این فرآیند در عرصه‌های بین‌المللی و محافل مخالفان نظام، مشهود است؛ بنابراین در صورت ورود مرجع رسمی قانون‌گذاری به قلمرو مقررات مربوط به جرائم و مجازات مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، توجه به اصلاح و رفع نارسایی‌های یادشده در روند مبارزه با این جرائم اثربخش‌تر خواهد بود. پیامد نهاد تعویق صدور حکم محکومیت به‌عنوان نوآوری و تحول مثبت در قانون جدید به هر دو صورت اعم از ساده یا مراقبتی، در کاهش جمعیت کیفری کشور و بازاجتماعی شدن متهمان و یا محکومان و لو در جرائم کم‌اهمیت، نتیجه‌بخش و مثمرتر خواهد بود و با توجه به بندت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی جدید و دامنه تسری و شمول آن نیز مانند قاعده تعلیق به استثنای جرائم مربوط به قاچاق عمده مواد مخدر و روان‌گردان وسیع است. همچنین نتیجه گرفتیم که قلمرو این نهاد به‌لحاظ تعزیری و بازدارنده بودن جرائم مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، (در عرصه همین جرائم) بسیار وسیع‌تر از کاربرد آن در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ است. زیرا قلمرو آن در قانون یادشده فقط به جرائم شش تا هشت محدود می‌شود درحالی‌که در حوزه جرائم مواد مخدر و روان‌گردان‌ها فقط جرائم مربوط به قاچاق عمده را در بر نمی‌گیرد (مستتبط از بندت ماده ۴۷ ق.م.ا) و سایر جرائم را نیز پوشش می‌دهد.

آثار جسمی و روانی ناشی از سوء مصرف انواع مواد افیونی و روان گردانها و اعتیاد و میل شدید به مصرف مداوم آنها، از یک طرف و سودهای کلان حاصل از تجارت و وجود اغراض استعماری در ترویج و شیوع آنها به منظور نیل به اهداف سیاسی و اقتصادی از طرف دیگر، نمی تواند با نظریه معروف «از میان رفتن خود بخود جرائم با سپری شدن مدتی از شیوع آن» انطباق کامل داشته باشد، زیرا صدها سال است که جرائم مرتبط با مواد مخدر در سطح جهان رواج پیدا کرده و هر سال نیز به واسطه تولید محصولات متنوع تر و به مراتب مخرب تر (از قبیل آمفتامین ها و ...) بر تعداد معتادان و مصرف کنندگان افزوده می شود. بنابراین رویکرد به اجرای سیاست های تقنینی امنیت گرا با رواج دهندگان عمده این گونه مواد، از جمله باندهای سازمان یافته منطقه ای و فرامنطقه ای اجتناب ناپذیر است؛ با این حال این بدان معنا نیست که مؤلفه های اصلاحی و درمانی به ویژه در مورد آن دسته از توزیع کنندگان خرد و غیر به عادت، مدنظر قرار نگیرد.

با استناد به نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه که اشعار می دارد «هر چند اعمال مقررات کلی و عمومی قانون مجازات اسلامی در مواردی که به صراحت در قانون مبارزه با مواد مخدر منع نشده، بلا اشکال است»، می توان نتیجه گرفت که قاعده یا نهاد تعویق صدور حکم (مستنبط از همین نظریه) با وجود عدم اشاره صریح به آن، در قانون مبارزه با مواد مخدر و روان گردان، قابل اعمال و دارای کاربرد حقوقی است.

این مقاله بر گرفته از تحقیقی است که در اواسط سال ۹۳ انجام شده است. تا آن تاریخ، در هیچ یک از متون و اسناد حقوقی و نظرات مراجع ذیصلاح قضایی و حقوقی، تعریف دقیق و جامعی در مورد عبارت قاچاق عمده مواد مخدر و روان گردان موضوع بند ت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، یافت نشد (از حیث حد نصاب میزان مواد مخدر و روان گردان مورد قاچاق و ...)، بنابراین هنگام اجرای این قانون، چه از حیث اعمال تعویق و چه از لحاظ اجرای نهاد تعلیق، بروز اختلاف و تشتت آرا، برداشت های متضاد، رأی به تفسیر در یک موضوع واحد، در محاکم قضایی اجتناب ناپذیر خواهد شد،

بنابراین، ارائه تعریفی شفاف با تعیین حد نصاب در مقدار با توجه به شدت مخاطرات هریک از انواع مواد مخدر و یا روان گردان، توسط مبادی ذیربط ضروری به نظر می‌رسد. - با توجه به قاعده مشهور «تفسیر به نفع متهم» و اینکه بدون تردید مقصود از مقرراتی نظیر تعویق و تعلیق و آزادی مشروط و مجازات‌های جایگزین حبس و غیر آن که قانون‌گذار به تصویب آن‌ها همت گماشته، اصلاح مرتکب است و این که مجرم با اجتماعی شده، به جامعه برگردد و این نگاه به آینده از طریق فردی کردن مجازات‌ها است.

بنابراین پیشنهاد می‌شود نظام عدالت کیفری کشور برای بهره‌گیری و اجرای دقیق و بهنگام این راهبردها، سازوکارهای مناسب نظارتی، طراحی و به‌موقع اجرا کند.

با التفات به اینکه در اصلاحیه اخیر قانون مبارزه با مواد مخدر، ورود مجلس شورای اسلامی را برای اصلاح این قانون، بلامانع نموده است، بنابراین بررسی و بازنگری این قانون به‌خصوص اصلاح فوری موادی که با فلسفه نظام عدالت کیفری قدری ناسازگار است و با دوام حاکمیت این نوع قوانین اعتبار نظام موصوف در عرصه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی مورد خدشه قرار می‌گیرد، ضرورت دارد.

قاعده تعویق صدور حکم محکومیت متهمان مواد مخدر و روان گردان‌ها همانند سایر مقررات تعدیلی (مانند قاعده تعلیق مجازات) که در نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه بر امکان اعمال و تسری آن، به جرائم مواد مخدر و روان گردان‌ها تأکید دارد، اعمال، ابلاغ و اجرایی شود.

در مورد قاچاقچیان عمده به‌خصوص متجری و با سوابق تکرار جرم و همچنین تولیدکنندگان آنها، سیاست تقنینی با الگوی امنیت گرا اجرا و در مورد افرادی که بر اثر عوامل اقتصادی یا هر عامل دیگر در توزیع و قاچاق مواد مخدر وسیله دست عناصر اصلی قرار گرفته‌اند رویکرد اصلاحی و بازپذیری مدنظر قرار گیرد.

در ارتباط با لزوم اعمال نهاد یادشده حسب مورد به‌خصوص نهاد تعویق صدور حکم محکومیت به جرائم مواد مخدر و روان گردان با احصاء موارد، از سوی مقامات ذیربط نظام قضایی، از طریق تهیه بخشنامه مناسب، اقدام شایسته انجام گیرد.

منابع

- آشوری، محمد. (۱۳۸۵). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران: رودکی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۳). ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- ذبیحی، حسین. (۱۳۹۲). قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاقات بعدی آن با تکیه بر آراء و نظریه‌های مشورتی، جلد اول، تهران: انتشارات قوه قضائیه.
- عظیم‌زاده، شادی. (۱۳۹۰). پایداری در بزهکاری در حقوق ایران و آمریکا، تهران: انتشارات جاودانه جنگل.
- علی‌آبادی، عبدالحسین. (۱۳۵۲). حقوق جنایی، جلد دوم، تهران: انتشارات بانک ملی.
- قناد، فاطمه. (۱۳۷۹). بررسی تناسب جرم و مجازات در جرائم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران، مجموعه مقالات روزنامه رسمی ج.ا.ا.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۴). مباحثی در علوم جنایی، تقریرات جامعه‌شناسی جنایی، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- هاشمی‌امامزاده، ا. (۱۳۸۴). بررسی ماهوی و شکلی قانون مصوب ۱۳۶۷ و اصلاحیه ۱۳۶۷، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.